

نگاهی قرآنی به حیات معنوی

www.ketab.ir

اسدالله جمشیدی



کتاب‌دانشجو

نگاهی قرآنی به حیات معنوی

اسدالله جمشیدی

ناشر: انتشارات کانون اندیشه جوان

طراح گرافیک: محمد توکلی

چاپ و صحافی: سپهر

چاپ اول: ۱۳۸۳

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۷۵۰ تومان



کانون اندیشه جوان

جمشیدی، اسدالله، ۱۳۶۲ -

حیات معنوی / اسدالله جمشیدی. - تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۳

ISBN 964 - 8711 - 03 - 8 ریال ۱۷۵۰۰

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

کتابخانه

۱. توکل (اسلام) - جنبه های قرآنی. ۲. اخلاق اسلامی. الف. عنوان

ج ۸ ج ۸/۲ BP ۲۲۵/۲۶ ۹۸۷/۱۶۱

کتابخانه ملی ایران ۲۳۵۶۰ - ۸۴ م

فروشگاه و نمایندگاه دانش: تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی،

پلاک ۲۷۱/۱ تلفن ۸۷۳۰۴۴۶ - ۸۵۰۳۳۴۱

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

۷	پیشگفتار
۹	مقدمه
۱۱	موضوع سخن

۱۷ بخش اول: انسان از دیدگاه اسلام

۱۹ انسان موجودی دویعدی: مادی و معنوی. ۲۱ رابطه بُعد مادی و معنوی انسان. ۲۲ تحلیل و بررسی. ۲۲ برابر آموزه های قرآن، آیا اصالت با بعد مادی یا بعد معنوی انسان است؟ ۲۴ ویژگی های بعد معنوی انسان. ۲۴ جاودانگی. ۲۵ صورت اخروی انسان. ۲۶ ضرورت توجه به حیات مادی. ۲۹ اصل را فدای فرع نکنیم. ۳۰ دو نکته ضروری

۳۳ بخش دوم: حیات معنوی؛ خصوصیات و راه های دستیابی به آن

۳۵ حیات معنوی. ۳۶ رسالت دین. ۳۹ حیات معنوی موهبتی همگانی. ۳۹ ویژگی های حیات معنوی و راه یافتگان آن. ۳۹. ا. زندگی خدامحور. ۴۲ به یاد داشتن خدا. ۴۵ ب. دانایی. ۵۱ ج. توانایی. ۵۳ د. شرح صدر. ۵۶ هـ آرامش و وقار. ۶۷. راهکار قرآن برای دستیابی به حیات معنوی. ۶۸ جهان بینی الهی. ۶۹ مسائل بنیادی جهان بینی. ۷۱ عمل صالح. ۷۸ تفکر و حیات معنوی. ۸۲ دغدغه هادر حیات معنوی. ۸۷ حیات طیب و زندگی فیزیکی. ۹۲ فراخوان همگانی به حیات طیب. ۹۴ زنان و حیات طیب. ۹۵ جوان و حیات طیب.

۹۵ بخش سوم: جامعه معنوی و ویژگی های آن

۹۹ آرزوی دیرینه بشر. ۹۹ قرآن و جامعه معنوی. ۱۰۱ راهکار عملی برای نیل

به جامعه معنوی. ۱۰۳ ویژگی های جامعه معنوی. ۱۰۴ محور اول: رابطه جامعه با خدا. ۱۰۴ بندگی. ۱۰۵ محبت متقابل خدا و بندگان. ۱۰۷ پاسداری از دین. ۱۰۹ محور دوم: رابطه جامعه با مردم. ۱۰۹ تقوا، ملاک ارزشیابی. ۱۱۲ مبارزه با فقر و محرومیت. ۱۱۴ نظارت همگانی. ۱۱۵ محور سوم: ارتباط با جوامع دیگر. ۱۱۶ ارتباط جوامع ایمانی با یکدیگر. ۱۱۶ تعاون و همکساری. ۱۱۷ رابطه جامعه اسلامی با جوامع غیر مسلمان. ۱۱۷ پرهیز از روابط منفعلانه ۱۲۱ تحقق جامعه پاک در گرو پسا پندگی اکثریت. ۱۲۲ هدف نهایی از برپایی جامعه مدنی. ۱۲۳ عصر طلایی

بخش چهارم: آسیب شناسی حیات معنوی ۱۲۷

۱۲۹ سلامتی و بیماری در حیات معنوی. ۱۳۲ شدت و ضعف بیماری. ۱۳۳ آفت های حیات معنوی. ۱۳۳ سرگرم شدن به مشتهیات. ۱۳۵ بهره وری مادی بیش از اندازه نیاز. ۱۳۶ افزون طلبی. ۱۳۷ آرزوهای طولانی. ۱۳۹ هم نشینی و معاشرت با ناصالحان. ۱۴۱ گناه. ۱۴۴ مکانیسم تأثیر آفت ها. ۱۴۸ آیا امکان بهبودی هست؟ ۱۵۰ نویدی خوش.

پیشگفتار

گرانیکاه جهان جدید، طرح پرسش‌ها و آموزه‌های معرفت‌شناختی تازه است. اکنون در آشوبناکی روزگار معاصر، بشریت نیازمند به همواره دیگرگونه زیستن، خرد را چراغ افق‌های تاریک فرادست کرده است. بی‌تردید، امروزه هر ذهن اندیشنده ژرف‌کاو، در هر سرزمین و به هر آیین، با این پرسمان جدی تاریخی رویاروست: «ما، در کجای جهان ایستاده‌ایم؟» با برآمدن آفتاب درخشنده و فروزنده انقلاب اسلامی در سرزمین ما، هویت فرهنگی و تاریخی ایرانیان، در فصل تازه خویش، طلیعه تمدنی تازه را نوید می‌دهد که برپایه‌ایستارها و انگاره‌های قدسی دین شکل می‌گیرد. نیز از این روست که در بستر این تمدن‌سازی ایمانی، چالش‌های مرتبط با عرصه‌های دین و تدین دانش و پژوهش، علم و فن‌آوری و مفاهیم و سازه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، همه و همه، با همراهی بی‌شماری از پرسش‌های دراز دامن و نفس‌گیر، در حیات جمعی ما، به ویژه در میان دانشجویان پرسنده و پژوهنده، بسط یافته‌اند. ذهن تکاپوگر و فرهیخته دانشجوی معاصر، نیازمند آن است که در فرایند هم‌ارزی و یا تقابل نهادهای مدرن و ساختارهای برآمده از آن‌ها با لایه‌های تمدن شکوهمند اسلامی برای انبوه پرسش‌های خویش پاسخ‌هایی ساخته و

سنجیده بیابد.

روشنفکران و اندیشه‌ورزان ما، اکنون و بیش‌تر و زرف‌تر از هرگاه دیگر، باید به بازسنجی دستاوردهای عقلانیست مدرن پردازند و ایستاده بر سکوی استوار مشرب مشرقی خویش، در بازتولید اندیشه‌های مینوی و ادبیات معنوی، طرحی نو در اندازند. افسون زدایی از ساحت افق‌های مادی‌گرایانه و فرآوری نگره‌های نو، متناسب با شؤون حیات امروزین آدمیان، نخستین و بایسته‌ترین مسؤولیت خردورزان است.

کانون اندیشه جوان، چونان نهادی برآمده از متن ناگزیر بایسته‌ها و ضرورت‌ها، می‌کوشد تا به مدد همت بلند ارباب دانش و پژوهش و با هدف بسط و توسعه فرهنگ فیاض دین، نیازهای فکری جوانان دانش‌پژوه را به فراخور توانمندی‌های خویش پاسخ گوید و قهسی از مشعل همواره فروزان لاهوت را در پیش چشم‌های نگرنده و نگران آنان بدارد؛ باشد که این نهال نو، روزاروز، برگ و باری تازه گیرد و طراوت و شادابی افزون‌تر پذیرد.

این کتاب، حاصل یکی از همین کوشش‌های همدلانه و همراهانه در باب بررسی ویژگی‌های زندگی، معنوی انسان است. تلاش محقق گرامی، جناب آقای *اسدالله جمشیدی* را ارج می‌نهیم و امید می‌بریم که این مکتوب دریچه‌ای روشن فرا روی خوانندگان ارجمند بگشاید و بر خردمندی و خرسندی آنان بیفزاید.

مقدمه

در زمین مردمان خانه مکن کار خود کن کار بیگانه مکن
 کیست بیگانه تن خاکی تو کز برای اوست غمناکی تو
 تا تو تن را چرب و شیرین می دهی جوهر جان را نسینی فرهی
 گر میان مشک تن را جا شود وقت مردن گند او پیدا شود
 مشک را بر تن مزین بر دل بمال مشک چبود^۱ نام پاک ذوالجلال
 ای برادر تو همه اندیشه ای مابقی خود استخوان و ریشه ای
 گر گلست اندیشه تو گلشنی ور بود خاری تو هیمة^۲ گلخنی^۳ و

مولوی

در قرون اخیر بشر از معنویت و دین کناره گرفته و در مادی گرایی غوطه ور گردیده است و این گرایش در جهان غرب به گونه ای محسوس تر نیز نمایان است. این چرخش به سوی ماده گرایی، اگر چه بسیار سریع صورت گرفته، تند پیش رفت، به دلیل ناسازگاری با ساختار وجودی انسان

۱. چبود: چه بود.

۲. هیمة: هیزم.

۳. گلخن: آتشگاه حمام را گویند.

۴. جلال الدین محمد مولانا: مثنوی معنوی، ۱۳۷۶، دفتر دوم، ص ۱۹۲.

و جهان چندان دوام نیاورد و چون آن را هستی و انسان تأیید نمی‌کرد، با مشکلات عدیده و رو به تزایدی روبه‌رو گشت. مشکلات روحی بشر که زندگی را برای وی طاقت فرسا نموده و مشکلات اجتماعی - چون گسترش خشونت، خودمحوری و جنایت - از عواقب ناگوار این معنویت گریزی است. طبیعت نیز از پیامدهای منفی مادی‌گرایی انسان در امان نیست و به عوارض نگران‌کننده‌ای دچار است و هنوز باید در انتظار بروز پیامدهای منفی دیگر باشیم.

با نگرش دینی، این پیامدهای منفی و نگران‌کننده، امید بخش است؛ زیرا چه بسا که موجب هشیاری و بیداری انسان شود و او را از راه رفته بازگرداند و به جبران خسارت‌های گذشته وادارد.

قرآن کریم پدید آمدن این مشکلات و ناهنجاری‌ها را راهی برای بازگرداندن بشر و پیشگیری از گمراهی بیش‌تر معرفی می‌کند. به فرموده قرآن، عملکرد ناصواب بشر موجب پیدایش فساد و برهم خوردن نظام شایسته جامعه بشری می‌شود و از این رهگذر، برخی از پیامدهای عملکرد خود را می‌چشد تا شاید متنبه گردد و از راه رفته باز گردد.^۱ در آیه‌ای دیگر از پیامدهای منفی رفتار انسان به عنوان «عذاب ادنی»^۲ تعبیر کرده و آن را مکانیسمی برای بازگشت انسان به خدا و معنویت توصیف فرموده است. جای خوشبختی است که ما شاهد کارگر افتادن این مکانیسم در

۱. ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ نَعَضَ الَّذِي غَمَلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِفُونَ.

روم (۳۰): ۴۱.

۲. وَلَذِيقَهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ. سجده (۳۲): ۲۱.

انسان‌های معاصر خود هستیم و مشاهده می‌کنیم که با بروز این مشکلات، انسان‌ها آهنگ معنویت کرده، در حال تجدید نظر در رفتارهای گذشته خود هستند.^۱ پیدایش فرقه‌های متعدد مذهبی شاهد این مدعاست.

لکن در اوضاع بحران زده کنونی، این خطر بشریت را تهدید می‌کند که در راه بازگشت به دین، دوباره راه صحیح را نیابد و بسان غریقی که به هسر تخته پاره‌ای چنگ می‌زند، به هر دعوتی لبیک گوید و از چاهی به چاهی دیگر افتد. لازم است، در این رجعت فرخنده، زیرکی به خرج دهیم و زمام امور خود را به دست با کفایت کسی که مهندسی نرم‌افزار و سخت افزار وجودمان را پی‌ریخت، بسپاریم و از او نسخه‌ای شفابخش مسألت نماییم. بیان این نسخه شفابخش مقصود این نوشته است.

تو را حق آن آشنایی دهد که از دست خویشت رهایی دهد
که تا با خودی در خودت راه نیست و از این نکته جز بیخود آگاه نیست^۲

سعدی

موضوع سخن

برخی تصور می‌کنند، یک دنیا بیش‌تر نداریم و آن، همین دنیای مادی است که در آن پا به عرصه هستی می‌نهیم و برای مدتی در آن، بسر می‌بریم و از مواهب طبیعی آن، بهره‌مند می‌شویم و برای فایق آمدن بر مشکلات و سختی‌هایش تلاشی پیگیر داریم، دنیایی که خوشی و غم و شادی آن، قرین یکدیگرند. آیا واقعاً نیز چنین است و حیات و زندگی فقط به همین عرصه،

۱. ر.ک. مهدی گلشنی: علم، دین و معنویت در آستانه قرن بیست و یکم.

۲. مصلح‌الدین سعدی: بوستان، باب سوم، حکایت ۱۵: کلیات اشعار، ص ۲۹۳.

محدود می‌شود؟

دنیای فیزیکی و خارجی و زندگی در آن، امری مشترک بین همه انسان‌هاست و همه افراد بشر از آن برخوردارند. بعضی انسان‌ها در طول عمر خویش در محدوده همین دنیای فیزیکی ظاهری می‌مانند و تمام توان خویش را برای تأمین نیازمندی‌های آن صرف می‌کنند و در کسب لذت‌های آن می‌کوشند و در تلاشند تا از ناملایمات آن بپرهیزند، با وجود این، همیشه به مراد خود نمی‌رسند؛ زیرا گل و خار این دنیا همیشه در کنار هم و همراه یکدیگرند. اما برخی دیگر از مردم در پرتو آموزش‌های دینی، با بهره‌مندی صحیح از دنیای مادی خود به تولدی دیگر دست می‌یابند و با گسترش هستی خویش به دنیای دیگری راه می‌یابند که حدود و مرزبندی‌های آن، بسی فراخ‌تر از دنیای فیزیکی است؛ دنیایی که اجزای تشکیل دهنده آن با یکدیگر اصطکاک ندارد و به همین دلیل، جز خوشی و سرور چیز دیگری در آن، یافت نمی‌شود. در آثار دینی این نوع زندگی «حیات طیب» تعبیر می‌شود.

هر کدام از این دو نوع زندگی، ویژگی‌های خاص خود، هدف و محور جداگانه، دغدغه و نگرانی‌های مجزا، آمال و آرزوهای مشخص و غیره دارند که باید مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. در این‌جا، مناسب است، با ذکر یک نمونه موضوع سخن را روشن‌تر کنیم. نمونه مورد نظر ساحران فرعون هستند که برای مبارزه با حضرت موسی (ع) پا به میدان گذاشته‌اند. باید رفتار و گفتار این دسته پیش و پس از ایمان آوردن مورد مطالعه و دقت قرار گیرد. آن‌طور که از قرآن پیداست،

ساحران افرادی هستند که به خداوند ایمان ندارند و حاکمیت فرعون را پذیرفته‌اند و به منظور تحکیم مبانی حکومت وی گرد هم جمع شده‌اند. اینان وقتی به پیشگاه فرعون بار می‌یابند، اولین نکته‌ای که بازگو می‌کنند، این است: «آیا اگر ما غالب آییم، واقعاً برای ما مزدی خواهد بود؟»^۱ و فرعون در پاسخ می‌گوید: «آری و در آن صورت شما حتماً از [زمره] مقربان من خواهید شد.»^۲ و هنگامی که کار خود را شروع کردند، گفتند: «به عزّت فرعون که ما حتماً پیروزیم.»^۳

با اندکی تأمل در گفت‌وگوی ساحران و فرعون به روشنی می‌توان دغدغه‌های خاطر، آمال و آرزوها و محور و هدف کار ساحران را تشخیص داد. خواسته‌های آنان مربوط به همین حیات فیزیکی است و جز مال و مقام چیز دیگری نیست، این نشان می‌دهد که ساحران به دنبال دستیابی به امکانات مادی هستند و خواسته آنان محدود به همین دنیا است و از آن فراتر نرفته‌اند.

ساحران بعد از آن که معجزه حضرت موسی علیه السلام را ملاحظه کردند و به حقانیت آن پی بردند،

به سجده در افتادند [و] گفتند: به پروردگار موسی و هارون ایمان آوردیم. [فرعون] گفت: آیا پیش از آن که به شما اجازه دهم، به او ایمان آوردید؟ قطعاً او بزرگ شماست که به شما سحر آموخته است، پس بی‌شک دست‌های شما و پاهایتان را یکی از راست و یکی از چپ قطع می‌کنم و شما را برتنه‌های درخت خرما به دار می‌آویزم، تا خوب بدانید

۱. شعراء (۲۶): ۴۱.

۲. شعراء (۲۶): ۴۲.

۳. شعراء (۲۶): ۴۴.

عذاب کدام یک از ما سخت‌تر و پایدارتر است. [ساحران] گفتند: ما هرگز تو را بر معجزاتی که به سوی ما آمده و [بر] آن کس که ما را پدید آورده، ترجیح نخواهیم داد، پس هر حکمی می‌خواهی بکن که تنها در این زندگی دنیاست که [تو] حکم می‌رانی. ما به پروردگاران ایمان آوردیم، تا گناهان ما و آن سحری که ما را بدان واداشتی بر ما ببخشاید و خدا بهتر و پایدارتر است. در حقیقت هر که به نزد پروردگارش گنہکار رود، جهنم برای اوست؛ در آن نه می‌میرد و نه زندگی می‌یابد. و هر که مومن به نزد او رود، در حالی که کارهای شایسته انجام داده باشد، برای آنان در جات والا خواهد بود؛ بهشت‌های جاویدان که زیر [درختان] آن جویبارها روان است. جاودانه در آن می‌مانند و این است، پاداش کسی که به پاکی گراید.^۱

این آیات به خوبی نشان می‌دهد که در فرعون هیچ تغییری رخ نداده است. حرف‌های او با آنچه در ملاقات پیشینش با حضرت موسی علیه السلام گفته بود، همخوانی دارد؛ ولی در نقطه مقابل، در ساحران، انقلابی رخ داده و گفتار و رفتار ساحران به طور کلی دگرگون شده است. برعکس حرف‌های گذشته، الآن سخن از خدا، قیامت، بی‌ارزش بودن دنیا و حکومت فرعون و بی‌اعتنایی به حیات دنیوی است.

این امور نشانگر متحول و دگرگون شدن دغدغه‌ها و حساسیت‌ها، آمال و آرزوهاست. این امور نشان دهنده آن است که آنان در ملاقاتشان با حضرت موسی علیه السلام با دنیای دیگری آشنا شده، به دنیای دیگری قدم نهاده‌اند و زندگی جدیدی را آغاز کرده‌اند که در آن فرعون و مظاهر فرعون‌بی‌ارزش و بی‌اعتبار و در مقابل، خدا و هر آنچه رنگ خدایی دارد، با شکوه و ارزشمند است و هر آنچه انسان را به خدا نزدیک کند، مطلوب و پسندیده است؛ اگر چه قطع دست و پا و بر دار رفتن باشد؛ زیرا «قَالُوا لَا ضَرَرَ أَعَلَّامَا

إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ؛ گفتند باکی نیست، همانا ما به سوی پروردگارمان باز می‌گردیم.^۱

علی‌رغم این که در دنیای ظاهری و مادی آنان، اتفاق و دگرگونی رخ نداده است، این سؤالات مطرح می‌شود،

— چرا ساحران این گونه زیر و زبر شده‌اند؟

— ویژگی‌های حیات پیشین و پسین ساحران چیست؟

— چه چیزهایی برای ساحران قبلاً مانع از سیر در مسیر حضرت موسی

و دین بوده است؟

— چرا فرعون متحوّل نشد؟

این‌ها پرسش‌هایی است که با کاویدن آیات الهی باید به پاسخ آن‌ها

دست یافت. ما، در این نوشتار، با امید به یاری خداوند در پی یافتن این

پاسخ‌ها هستیم.